

مالیات ابزار توسعه

"مالیات یک نوع هزینه اجتماعی است که هر شهروندی در قبال استفاده از خدمات اجتماعی باید پرداخت کند." در فرآیند توسعه و بازسازی اقتصادی کشور "مالیات" یکی از اصلی ترین ابزارهای توسعه در جهت خصوصی سازی، تعدیل ثروت و، توزیع مجدد درآمد به شمار می رود. برخی صاحب نظران اقتصادی درآمدهای مالیاتی را بهترین درآمد دولت می دانند، افزون بر آن می توان از اهرم مالیات برای توزیع بهتر درآمدها سود جست. اما از آن جا که معمولاً مالیات ستانی، برکارایی اقتصاد کشور موثر است، تنها از درآمدهای مالیاتی برای آن گروه از هزینه های دولت که اجتناب ناپذیر است، استفاده می شود. در ایران، سهم هزینه های دولت از تولید ناخالص ملی رقم نسبتاً بالایی است ولی سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی در مقایسه با کشورهای دیگر، کم تر است. از این رو، به نظر می رسد باید هم از هزینه های دولت کاسته شود و هم بر درآمدهای مالیاتی افزوده گردد.

با توجه به ترکیب کنونی درآمدهای مالیاتی که بیشترین سهم را مالیات شرکت ها دارد و نیز سهم نسبتاً اندک مالیات مشاغل و هم چنین، فرار مالیاتی چشمگیر در این دویخش، بازنگری در روش های اجرایی مالیات ستانی، ضروری به نظر می رسد. از سوی دیگر یکی از منابع مهم سرمایه گذاری ها را سود شرکت ها تشکیل می دهد. از این رو در بیشتر کشورها، نرخ مالیات آنها ثابت است و از نرخ های تصاعدی استفاده نمی شود. در ایران نیز برای تشویق فعالیت در اقتصاد رسمی و کاستن از حجم اقتصاد نقدی و نیز عدم ایجاد انگیزه منفی بر سر راه ورود شرکت ها به بورس و نیز افزایش سرمایه گذاری ها، از دوسال پیش چنین سیاستی اعمال شده است.

به طور کلی برای هر نوع مالیات ستانی، نخست پایه مالیاتی آن مشخص می شود و سپس با توجه به نرخ تعیین شده، مالیات گرفته می شود. ولی در کشورهای در حال توسعه مانند کشور ما که بخش گسترده ای از اقتصاد به صورت غیررسمی و نقدی است، تعیین این گونه درآمدها و مشخص کردن قیمت خرید و فروش، دشوار است. از این رو به جای دریافت مالیات از درآمد خرید و فروش اموال به مالیات برنقل و انتقال - که برپایه ارزشگذاری اداری اموال انجام می شود - روی می آورند و چون این ارزشگذاری معمولاً بسیار پایین تر از ارزش واقعی است در نتیجه سعی می شود در تعیین نرخ، این نقیصه جبران شود که این سیاست اعمال فشار بر مودیان خوش حساب است که خوشبختانه در اصلاحیه ی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ این نگرش تغییر یافته است. اقتصادشناسان، بر این عقیده اند که معقول ترین و مناسب ترین نوع درآمد دولت، مالیات است و افزون براین، مهم ترین ابزار برای اعمال سیاست های مالی به شمار می آید. هم چنین، مالیات مهم ترین ابزار انتقال درآمد از گروهی از جامعه (بیشتر، گروه پردرآمد) به گروه دیگر (بیشتر، گروه کم درآمد) است. از این رو، مالیات را موثرترین ابزار اقتصادی دولت می دانند.

از سوی دیگر، در کشورهایی مانند کشور ما که برای تامین هزینه‌های دولت، بیشتر به درآمدهای فروش منابع طبیعی تکیه دارند یا به طور کلی، تک محصولی هستند، توجه بیشتر به نقش مالیات‌ها در بودجه دولت و انجام اقداماتی به منظور افزایش سهم این نوع درآمدها در کل درآمدهای دولت، ضرورت دارد. زیرا بیشتر این کشورها، از یک سو، با محدودیت ظرفیت منابع طبیعی، و از سوی دیگر، به دلیل‌های گوناگون، از قبیل ابداع روش‌های جدید تولید و دستیابی به جانشین‌های مناسب، با نوسان تقاضاها و قیمت‌ها در بازارهای جهانی روبه‌رو هستند. از این رو، نمی‌توانند مدت درازی به درآمدهای فروش ثروت جامعه اتکا نمایند و باید هر چه سریع‌تر درصدد تغییر ترکیب درآمدهای خود برآیند. چنین کشورهایی، بهتر است در کنار برنامه‌ریزی‌های مناسب برای افزایش توان تولید جامعه، در راه اتکای بیشتر به مالیات‌ها، که در واقع سهمی است که جامعه بابت انجام وظایف خویش به دولت می‌پردازد، گام‌های سنجیده‌تری بردارند تا منبع اصلی درآمدهای دولت از ثروت طبیعی (که ثروت بین‌النسلی است) به درآمد مصرف منتقل شود.

بعید است که در وضعیت کنونی، درآمدهای مالیاتی ما بتوانند جانشین درآمدهای نفتی بشود. مگر این که با بررسی‌های مستمر، منظم، گسترده و همه جانبه، نارسایی‌های نظام مالیاتی از میان برداشته شود. این کار، هم چنین برای بالا بردن درجه‌ی اثرگذاری سیاست‌های مالی و باز توزیع درآمد به کمک ابزارهای مالیاتی، سودمند خواهد بود. گام نهادن در این راه، نیازمند انجام مجموعه‌ای از بررسی‌ها و پژوهش‌های علمی و کاربردی است.

هر نظام مالیاتی، از پایه‌ها و نرخ‌های مالیاتی و قانون‌های اجرایی آن، که معافیت‌ها را نیز در بردارد، تشکیل می‌گردد. نخستین کار، شناخت پایه‌ها یا منابع اصلی برای گرفتن مالیات است. سه پایه یا منبع اصلی که مالیات به آنها تعلق می‌گیرد، عبارتند از: درآمد، مصرف و ثروت در این ارتباط یکی از نارسایی‌های مهم نظام مالیاتی ایران، عدم استفاده‌ی مناسب از پایه‌ی مالیاتی مصرف است که تاکنون توجهی بدان نشده بود.

خوشبختانه در چند سال اخیر دستگاه مالیاتی کشور با درک این ضرورت و بررسی‌های تطبیقی جهانی و منطقه‌ای درصدد ایجاد یک پایگاه نظام مالیاتی بر مبنای انتقال مالیات از درآمد به مصرف برآمده است. در هزاره‌ی سوم و در جهان توسعه‌ای منابع ثروت طبیعی صرفاً باید در جهت زیر ساخت‌های اجتماعی - اقتصادی مصرف گردند. بر همین اساس مدتهاست که بسیاری از کشورهای جهان به منظور اصلاح نظام مالیاتی خویش، حمایت از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تولیدی و نیز ایجاد انگیزه‌ی لازم برای رشد فعالیت‌ها، مبنای مالیات را از درآمد به مصرف انتقال داده‌اند و بیشترین درآمد مالیاتی را از طریق مالیات بر مصرف کسب می‌کنند. تهیه‌ی لایحه‌ی مالیات بر ارزش افزوده و قانون تجمیع عوارض از همین دیدگاه قابل بررسی و تامل می‌باشد.

بی‌شک اصلاحیه‌ی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ از یک طرف نقطه‌ی عطفی در تاریخ قانونگذاری مالیات در دو دهه‌ی اخیر و از طرف دیگر تحول بی‌سابقه در تبیین جایگاه و منزلت حسابداران رسمی به‌شمار می‌رود. آنچه در این برهه‌ی تاریخی حائز اهمیت است همکاری حرفه‌ای حسابداران رسمی با سازمان امور مالیاتی در تشخیص درآمدهای مالیاتی از یک طرف و ارائه راه کارهای مناسب حرفه‌ای در فرایند تشخیص مالیات از طرف دیگر است. این امر می‌تواند باعث توسعه‌ی حرفه حسابداری و هم چنین سهل و ساده کردن شناسایی منابع مالیاتی و در نتیجه کاهش هزینه‌ی اقتصادی وصول مالیات که ثمره‌ی آن افزایش درآمد کشور می‌باشد گردد. حسابدار به منظور قدردانی از همه‌ی دست‌اندرکاران مالیاتی کشور که در تبیین و اصلاحیه‌ی مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ کارساز بوده‌اند این شماره را با عنوان "ویژه‌نامه مالیاتی" منتشر می‌نماید. شاید این مهم کلیه‌ی دست‌اندرکاران مالیاتی کشور را در تداوم فعالیت خودباوری و درک ضرورت‌های ملی تشویق نماید.